

## بررسی و نقد کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث

محسن سیفی\*  
بهاره صمدی\*\*

### چکیده

کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث، اثر نادر نظام‌تهرانی، در زمینه تاریخ ادب معاصر عرب نوشته شده است. در این کتاب نویسنده کوشیده تا با بررسی رویدادها و جریان‌های ادبی معاصر و آوردن سظوری چند درباره شاعران این عصر، شمایی کلی از حیات ادبی عرب در این دوره به مخاطب ارائه دهد. بررسی و مطالعه این کتاب نشان از آن دارد که این اثر نیز چون دیگر آثار قلمی، خالی از نقص نیست و کاستی‌هایی دارد که در چاپ‌های بعدی باید به آن توجه شود. این مقاله تلاش دارد با بررسی دقیق این اثر، در رویکردی بی‌طرفانه و با رعایت اصول منطقی نقد علمی، میزان پایبندی نویسنده آن را به معیارهای علمی نگارش کتاب و استفاده از ابزارهای آن برای تحقق اهداف آموزشی بررسی کرده و ضمن ارزیابی این کتاب به عنوان منبعی درسی بر اساس معیارهای منابع درسی، میزان برخورداری آن را از ویژگی‌های اثری فنی و تخصصی مشخص کند.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ ادبیات، تاریخ الآداب اللغة العربية فی العصر الحديث، بررسی محتوایی، بررسی ساختاری، بررسی صوری.

### ۱. مقدمه

از آنجاکه بررسی زمان آفرینش اثر ادبی از مؤلفه‌های مهم در شناخت اثر، دریافت ویژگی‌های مختلف سبکی و تحلیل متن و آشنایی با پدیدآورنده آن است، تاریخ ادبیات

\* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان motaseifi2002@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان b.samadi1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۲

به‌مثابه فنون اصلی ادب همواره در مرکز توجه پژوهشگران بوده و در دوره‌های زمانی مختلف، بسیار بدان پرداخته‌اند و آثار مهمی در این حیطه به عالم ادب عرضه شده است. تاریخ ادب معاصر عرب به‌خاطر عواملی چند از جمله جنگ‌های جهانی، استعمار، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان عرب، آشنایی با ادبیات مغرب‌زمین و بهره‌گیری از آراء نقدی و رویکردهای ادبی و جریان‌های فکری و فلسفی غرب، و ... دچار تغییراتی بنیادین شده افق‌های جدیدی پیش روی آن گشوده شد. رویدادهایی که نویسندگان در پژوهش در باب ادب این عصر، از نظر دور نداشته‌اند.

کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث، نوشته نادر نظام‌تهرانی، اثری با محوریت تاریخ ادب معاصر عرب است که چشم‌اندازی کلی از حیات ادبی عرب در دوران معاصر به مخاطب ارائه می‌دهد. این کتاب با وجود اطلاعات ارزشمندی که از ادب معاصر عربی گرد آورده است، در برخی زمینه‌ها نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.

این مقاله تلاش دارد با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی و ارزیابی این اثر بپردازد و ویژگی‌های فنی آن را در سه سطح ساختاری و محتوایی و شکلی با طرح پرسش‌های زیر و پاسخ به آن‌ها تبیین کند:

- کیفیت شکلی و چایی اثر و رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش، چگونه ارزیابی می‌شود؟
- میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن در چه حد است؟
- میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید چگونه است و آیا نمونه‌هایی از نوآوری در این اثر وجود دارد؟ (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح افقی نو و خلاقیتی ویژه، تنظیم جدید مباحث و ...)

## ۲. معرفی کتاب

### ۱-۲. نادر نظام‌تهرانی

نادر نظام‌تهرانی ادیب، مترجم، ناقد و شاعر، در سال ۱۳۱۲ در دمشق متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در این شهر به پایان رساند و در دانشگاه دمشق در رشته زبان و ادبیات عربی به تحصیل پرداخت و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه تهران ادامه داد و در سال ۱۳۴۹ در این دانشگاه، در رشته زبان و ادبیات عربی فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۳۴۳ در دانشکده ترجمه مشغول به تدریس شد و از آن پس در دانشگاه‌های متعدد به تدریس مشغول بوده و سمت‌های گوناگونی را نیز بر عهده داشته است.

نادر نظام تهرانی تاکنون خدمات علمی درخور توجه و ارزنده‌ای به رشته زبان و ادبیات عربی کرده و آثار ارزشمندی را به دنیای ادب عرضه داشته است که برخی از آنها عبارتند از:

- *نصوص من النظم والنثر فی العصر الجاهلی*، با همکاری سعید واعظ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
- *العروض العربی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
- *نصوص من النظم والنثر فی عصر الانحطاط*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹.
- *تاریخ الأدب فی عصر الانحطاط*، انتشارات فرهیخته، ۱۳۸۰.
- *المختصر فی تاریخ الأدب الفارسی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
- *النقد؛ عرض وتحلیل*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- *اللمح الخالد* (دیوان شعری)، دمشق: کرم، ۱۹۶۲.
- *نفحات شعریه* (دیوان شعر)، نشر منهای.
- قاموس نادر. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*، نشر منهای، ۱۳۸۷... (مصطفوی نیا و دادفر، ۱۳۸۸: ۲)

## ۲-۲. معرفی اجمالی کتاب

کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث* نوشته نادر نظام تهرانی است. این کتاب در یک جلد با قطع وزیری و ۱۷۵ صفحه، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات فرهنگ منهای به زیور طبع آراسته شد. ناگفته نماند که در بخش کتاب‌شناسی، شماره صفحه‌های کتاب ۱۶۰ صفحه درج شده است. در ادامه به ذکر نکاتی درباره کتاب می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱. موضوع کتاب

موضوع کتاب چنان‌که از عنوان نیز مشخص است، بررسی تاریخ ادبیات معاصر عربی است و نویسنده سعی کرده است ضمن مروری بر رویدادهای سیاسی این برهه از تاریخ، و ذکر عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر نهضت ادبی معاصر عرب، چشم‌اندازی از ادب عربی قرن بیستم، جریان‌های ادبی و شاعران و ادیبان این عصر به مخاطب ارائه دهد.

## ۲-۲-۲. نگاهی به جنبه محتوایی کتاب

مطالب کتاب به ترتیب عبارت است از: عنوان، شناسنامه، سخن ناشر، فهرست کتاب، مقدمه، متن اصلی و مصادر و مراجع. نویسنده در مقدمه‌ای کوتاه به دوره‌های تاریخ ادب عربی نگاهی گذرا و کلی داشته است. سپس عواملی را که در ایجاد نهضت ادبی دخالت داشته‌اند، ذکر کرده و مهم‌ترین جریان‌های ادبی این عصر را برشمرده و نگاهی به شاعران و ادیبان معاصر عرب و نمونه‌های شعری آن‌ها داشته است.

## ۳. چالش‌های پیش‌روی نویسنده در تألیف درباره تاریخ ادب معاصر

نویسنده در پژوهش درباره تاریخ ادب معاصر عرب با دشواری‌هایی روبروست. یکی از پژوهشگران در این باره چنین می‌گوید: گستره گسترده جغرافیایی جهان عرب و تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری فراوان، گستره زمانی که از پایان قرن هجدهم تا پایان قرن بیستم را دربرمی‌گیرد و نسبت به دیگر زمان‌های تاریخ ادبیات دگرگونی بیشتری داشته است، تأثیر از ادبیات دیگر کشورها از جمله ادب فرانسه و انگلیس، گستره وسیع انواع ادبی و مکاتب و جریان‌های فکری و شعری جدید، شدت و سرعت دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و اثرپذیری ادب از آن‌ها، بحث درباره ادب معاصر را دشوار کرده و شاید نتوان کتابی جامع در این زمینه نوشت، یا کتاب‌های موجود را قانع‌کننده دانست (رک: میرزایی و ابویسانی، بی تا: ۵).

## ۴. تحلیل کتاب

در تحلیل این اثر بررسی ویژگی‌های درونی و بیرونی شایان توجه است که در سه سطح ساختاری و محتوایی و شکلی بررسی می‌شود.

### ۴-۱. تحلیل ساختاری

نویسنده باید در تألیف کتاب، افزون بر دقت در محتوا و مطالب، به انسجام و یکپارچگی اثر و نظم ساختاری آن توجه داشته باشد و مطالب را به صورت نظام‌مند و با پیروی از چهارچوب و فصل‌بندی منطقی و درستی ارائه دهد. نوشته باید از مقدمه‌ای کارآمد، پیشگفتار، فهرست مطالب، فصل‌بندی منظم و منسجم و نتیجه‌گیری برخوردار باشد.

### ۴-۱-۱. نظم و انسجام منطقی کتاب

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی مشاهده می‌شود که نویسنده با تقلید از دیگر کتاب‌های تاریخ ادبیات مانند تاریخ الادب العربی تألیف حنا الفاخوری و مجانی شعر

العربی الحدیث و مدارسہ نوشتہ صادق خورشائین ترتیب را ایجاد کرده است؛ هرچند کتاب فاقد پیکره‌بندی منطقی و لایه‌بندی و شماره‌گذاری است؛ مطالب یکی پس از دیگری پشت سر هم آمده و گاه مرزبندی مشخصی بین عنوان‌ها نیست. البته با نگاهی به فهرست مطالب کتاب درمی‌یابیم که نویسنده عنوان‌هایی کلی مانند «بدء النهضة الأدبية وأسبابها»، «عهد النهضة الحديثة أو الإحياء»، «إلى أين انتهى التجديد في فترة النهضة الأدبية» و ... آورده و در ذیل آن به جریان‌ها و رویکردهای ادبی و شاعران و ادیبان پرداخته است که به نظر می‌آید آن‌ها را فصل‌های کتاب قرار داده است؛ هر چند به این مسئله اشاره نکرده یا با لایه‌بندی و شماره‌گذاری و تبویب آن‌را مشخص نکرده است و این موضوع باعث آشفتگی و تشویش متن شده است و خواننده در برقراری ارتباط منطقی بین مطالب با دشواری روبرو می‌شود.

در این کتاب، نه تنها عنوان‌ها با شماره‌بندی از یکدیگر مشخص نشده که اندازه قلم عنوان‌های جزئی‌تر با عنوان‌های کلی فرقی ندارد؛ بدین‌روی خواننده در فهم این‌که آیا عنوان «ب» با عنوان «الف» هم‌مجموعه است یا زیرمجموعه آن به حساب می‌آید، سردرگم می‌شود.

#### ۴-۱-۲. مقدمه

مقدمه کتاب شامل علت برگزیدن موضوع، ذکر کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در آن موضوع به رشته تحریر درآمده و نقد آن‌ها، اهمیت و ضرورت تحقیق، روشی که پژوهشگر از آن بهره برده، و دشواری‌هایی که در این پژوهش با آن روبه‌رو بوده و نمونه‌هایی از این دست است (ر.ک: انطونیوس بطرس، ۲۰۱۰: ص ۴۸). «مقدمه شامل شرحی اجمالی درباره مسئله بررسی‌شده، حدود و ارزش و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته است و نیز روش‌ها و ملاک‌ها و مفهومی‌های تازه‌ای که در پژوهش به کار رفته، است. و طول مقدمه کمابیش با طول متوسط فصل‌ها برابر است.» (حیدری، ۱۳۸۰: ۸۰)

در اثر حاضر، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، مقدمه بسیار کوتاه و کلی، و فاقد شرایط علمی مقدمه کتاب است و مؤلف در حدود ۱۲ سطر نگاهی کلی به دوره‌های ادب عربی داشته و به مسائلی چون روش تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه و کتبی که پیشتر در این باب به نگارش درآمده و دشواری‌هایی که در مسیر پژوهش با آن روبه‌رو بوده، اشاره‌ای نکرده است.

#### ۴-۱-۳. پیشگفتار

موضوع پیشگفتار مسائل رخ‌داده در باب شکل‌گیری کتاب است و در واقع با مطالب کتاب ارتباط مستقیم ندارد و بر محور مسائل جنبی اثر می‌گردد؛ مانند: شرایط تهیه اثر، تجدید چاپ، تشکر از دست‌اندرکاران و ...

کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث پیشگفتار ندارد و هیچ اطلاعاتی درباره چگونه شکل گیری این کتاب در دسترس خواننده و مخاطب قرار نمی گیرد.

#### ۴-۱-۴. نتیجه گیری (سخن پایانی)

از بخش های مهم پژوهش های علمی «نتیجه گیری» است. پژوهشگر در قسمت «نتیجه گیری» مهم ترین دستاوردهای به دست آمده از پژوهش را می آورد و نتیجه گزینه های مطرح شده در سؤال ها و فرضیه های تحقیق را ذکر می کند؛ همچنین ممکن است با اتکاء بر آنچه در روند تحقیق به آن دست یافته، اقدام به رد برخی از آراء و مسائل موجود کند یا مخاطب را درباره صحت و سقم آن ها به تردید اندازد یا این که خود نظریه بومی یا تقسیم بندی های جدیدی ارائه دهد.

درباره اثر بررسی شده باید گفت که این کتاب فاقد بخش نتیجه گیری چه در پایان هر فصل و چه نتیجه گیری نهایی است؛ بدین روی نمی دانیم که مؤلف به چه دستاوردهایی رسیده است.

#### ۴.۲. تحلیل درونی یا محتوایی

در تحلیل محتوایی این کتاب، درستی یا نادرستی مطالب و کاستی های موجود در اطلاعات ذکر شده در متن، بررسی می شود.

۴-۲-۱. ناقص بودن اطلاعات و تسامح در شرح برخی از مطالب و روزآمد نبودن اطلاعات گاه مؤلف درباره موضوع بحث، اطلاعات کافی و وافی نداده و مطالبی را که ذکر آن ضروری می نماید از قلم انداخته است. در ذیل به برخی از این نمونه ها اشاره می کنیم: نویسنده عوامل مؤثر بر شکل گیری نهضت ادبی را در نیم صفحه با عنوان «بدء النهضة الأدبية وأسبابها» به شکلی گذرا بر شمرده است که قانع کننده به نظر نمی رسد؛ زیرا این کتاب، تاریخ ادبیات عصر معاصر است و عوامل شکل گیری این نهضت به عنوان بخشی از تاریخ این دوره و نیز عاملی مؤثر در شکل گیری این خیزش ادبی و فرهنگی و علمی از اهمیت بسیاری برخوردار است. گفتنی است این مسئله در همه کتاب به چشم می خورد و جنبه ادبی اثر بر جنبه تاریخی آن غالب است و با توجه به اینکه کتاب تاریخ ادبیات است، این انتظار وجود دارد که بر رویدادهای تاریخی مؤثر بر ادب این دوره بیش از این تمرکز می شد.

همچنین نویسنده در بررسی تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی بر ادبیات معاصر عربی درباره مسئله فلسطین خوب عمل کرده است؛ اما درباره تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی در شعر لبنان و عراق و مهجر بررسی‌ها سطحی است.

در تنظیم مطالب کتاب یکنواختی رعایت نشده است، برای مثال نویسنده در شرح پیشگامان شعر سوریه از «زرکلی»، «خلیل مردم بک»، «شفیق جبری»، و «بدوی الجبل» نام برده است سپس بیش از نیمی از یک صفحه در توضیح خلیل بک آورده و بیت‌هایی از وی نقل کرده؛ ولی به ذکر نام سه شاعر نام‌برده دیگر بسنده کرده است (نظام‌تهرانی، ۱۳۸۷، ۴۶). از میان پیشگامان شعر عراق در آغاز نهضت نیز از الرصافی و جمیل صدقی الزهاوی تنها به ذکر نام و آوردن ابیاتی چند بسنده کرده است (همان، ۴۷). شایسته بود که با توجه به نقش پیشگامی این شاعران در شعر عراق، سطوری را به زندگی آن‌ها و نقششان در حیات ادبی این عصر اختصاص می‌داد.

همچنین در توضیح شاعران شعر نو به السیاب، نازک الملائکه، صفاء الحیدری، البیاتی، نزار قبانی، محمد الماغوط و ادونیس اشاره کرده و صفحاتی چند در معرفی زندگی و حیات ادبی السیاب، نزار قبانی و ادونیس آورده و از سه شاعر دیگر، به ذکر یک یا دو مقطع شعری اکتفا کرده است. وی بدون این‌که بر حیات شعری نازک الملائکه و نقش پیشوایی‌اش در شعر نو درنگی داشته باشد یا درباره وی اظهار نظر کند، به ذکر دو مقطع شعری بسنده می‌کند این قصور درباره بیاتی نیز به چشم می‌خورد (همان، ص ۱۲۴ تا ۱۲۷). نویسنده در شرح پیشگامان شعر لبنان و اردن و فلسطین نیز چنین ناهمسان عمل کرده است (همان، ص ۵۰ تا ۵۶).

از میان شاعران مقاومت فلسطین نیز از فدوی طوقان، معین بسیسو، محمود درویش، سمیح القاسم نام برده و صفحاتی را به توضیح زندگی و شعر بسیسو، درویش و سمیح القاسم اختصاص داده و به ذکر آوردن فدوی طوقان بسنده کرده است (همان، ۱۴۲ تا ۱۵۲).

در توضیح مکتب کلاسیسم و رمانتیسم در کشورهای عربی، از پیشوایان و شاعران نامی این مکتب‌ها نامی نبرده است (همان، ۶۲)، از شاعران بزرگ سمبولیسم، ادونیس و بیاتی یاد نکرده (همان، ۱۵۵)، به مکتب رئالیسم و نمود آن در شعر البیاتی و نزار قبانی (همان، ۵۷)، و نیز قصیده مشهور «إرادة الحياة» الشابی، اشاره‌ای نکرده است. چنانکه مشهور است، این قصیده نه تنها در حیات ادبی الشابی، که در شعر معاصر عرب اهمیت زیادی دارد و منتقدین و ادبا در بررسی شعر معاصر عرب همواره به آن نظر داشته‌اند (همان، ۵۷ تا ۵۸).

همچنین برخی از مسائل مهم ادب معاصر عرب همچون اثرپذیری از آراء نقدی الیوت، توجه به وحدت موضوعی و وحدت ارگانیک اثر، معادل موضوعی، چندصدایی بودن اثر،

بینامتنیت، توجه به نقش خواننده و متن باز، آراء و رویکردهای نقدی جدید، نقش مهم اساطیر در آفرینش‌های ادبی شاعران بزرگ عرب، و مسائلی از این دست، از نظر وی دور مانده است. ناگفته نماند آراء نقدی مؤلف به‌ویژه مسائلی که در اواخر کتاب به آن پرداخته نسبتاً راضی‌کننده است؛ مانند صفحه ۱۴۴ و ۱۴۷ و ۱۳۸.

نقش برخی از شاعران، ادیبان و نویسندگان در خیزش ادبی معاصر عرب مغفول مانده یا نامی از آن‌ها نیامده است. برای نمونه می‌توان به عبدالرحمن الکوکی، محمد مهدی الجواهری، خلیل حاوی، جبرا ابراهیم جبرا، بلند الحیدری، صلاح عبدالصبور، أمل دنقل، می زیاده و ... اشاره کرد.

قصه و روایت از عناصر مهم فنون ادبی به‌خصوص در عصر معاصر است. توضیحاتی که نویسنده در صفحاتی چند در باره قصه و روایت و نمایشنامه، آورده (همان، ۲۲ تا ۲۹)، حق مطلب را ادا نمی‌کند؛ چراکه درباره پیشگامان و بزرگان این فنون، به ذکر نامی بسنده شده و به آثار مهم آن‌ها و بازتابی که در حیات ادب داشته است اشاره‌ای نشده است، از برخی از بزرگان از جمله منفلوطی نیز نامی نبرده است؛ درحالی‌که جای‌جای کتاب انباشته از ابیات و نمونه‌هایی است که گاه نویسنده اقدام به تحلیل آن‌ها کرده است. از آنجا که این کتاب تاریخ ادبیات است نه متون و تحلیل متن و با توجه به حجم کتاب، این تعداد زیاد از نمونه‌های شعری، غیر ضروری می‌نماید و شایسته‌تر بود حجمی که به این اشعار اختصاص داده شده، صرف مطالب ضروری‌تر، از جمله موضوعاتی اشاره‌شده در قبل، می‌شد.

روزآمد نبودن مطالب به‌خصوص در مبحث نثر حدیث نیز درخور توجه است. نویسنده به مهم‌ترین نویسندگان پرداخته است. شایسته بود با توجه به عنوان گسترده کتاب، به شاعران مشهوری چون ممدوح عدوان، محمد عمران، و نویسندگانی مشهور چون عبدالرحمن منیف، حنا مینه، غادة السمان و آثارشان نیز می‌پرداخت. می‌توان گفت تا صفحه ۱۱۳ کتاب، مطالب کهنه و تکراری و تقلیدی است. از مهم‌ترین نویسندگان و شاعران زن مانند سعاد الصباح و غادة السمان سخنی به میان نیامده است. درباره ادبیات علمی تخیلی و شگرف نیز هیچ مطلبی نیست؛ در صورتی که از انواع ادبی مهم در عصر حدیث است؛ مانند آثار طالب عمران.

در پایان باید گفت در این اثر نمونه‌هایی از نوآوری (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح افقی نو و خلاقیتی ویژه، تنظیم جدید از مباحث و...) وجود ندارد و حتی در تنظیم مباحث کتاب شاهد نوآوری نیستیم چه رسد به محتوای کتاب. تنها در بحث شاعران مقاومت نویسنده خواسته به تنظیم جدیدی دست بزند که در این نیز جای نقد وجود دارد و شاعرانی چون ادونیس و نازک الملائکه، پیشوایان شعر مقاومت نیستند (همان، ۱۲۴ و ۱۳۵).



#### ۲-۲-۴. نادرستی مطالب

برخی از مطالب کتاب نادرست به نظر می‌رسد و با نقل کتاب‌های پرمراجعه تاریخ ادبیات عرب مطابقت ندارند و از آنجا که نویسنده در ذیل آن‌ها به منابع مراجعه‌شده اشاره‌ای نکرده، مشخص نیست که آن‌ها را از کجا گرفته است؛ بنابراین، خواننده در صحت و سقم مطالب دچار تردید می‌شود. برای نمونه سال تولد بارودی را ۱۸۴۰ دانسته (همان، ص ۳۵) حال آنکه در کتاب‌های دیگر سال تولد وی را ۱۸۳۸ دانسته‌اند (الفاخوری، ۱۳۸۰: ۹۵۹؛ ضیف، ۸۳) همچنین سال تولد احمد شوقی را ۱۸۶۸ نوشته، حال آنکه شوقی ضیف وی را متولد سال ۱۸۶۹ می‌داند (نظام‌تهرانی، ص ۱۱۰)، نیز مطران را متولد ۱۸۷۱ نوشته (همان، ۵۱) که مؤلفان دیگر، سال ۱۸۷۲ را سال تولد وی می‌دانند (ضیف، بی‌تا: ۱۲۱؛ الفاخوری، ۱۳۸۰: ۱۰۱۷).

همچنین محل نشر روزنامه «حديقة الأخبار» را سوریه، روزنامه «الجوائب» را قسطنطنیه می‌داند (نظام‌تهرانی، ۱۳۸۷: ص ۱۷) که با ضبط الفاخوری متناقض است و بنابر گفته وی، اولی در بیروت و دومی در استانبول چاپ می‌شده است (الفاخوری، ۱۳۸۰: ۹۱۰). حتی اگر ضبط شوقی ضیف و الفاخوری نادرست باشد و در نمونه‌های فوق، ضبط نویسنده صحیح باشد، بهتر بود به این اختلاف و نیز منبعی که آن‌ها را از آن نقل کرده، اشاره‌ای می‌کرد.

نیز همانگونه که پیشتر گذشت، شاعرانی چون ادونیس و نازک الملائکه را در شمار شاعران مقاومت آورده است (همان، ۱۲۴ و ۱۳۵).

#### ۳-۲-۴. میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

میزان انطباق محتوای اثر با عنوان آن ضعیف است زیرا عنوان کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث* است که شایسته است محتوی شامل بررسی نظم و نثر معاصر عربی باشد اما همان طور که پیش تر گفته شد مؤلف به بررسی نثر معاصر نپرداخته است؛ در نتیجه نزدیک به نیمی از محتوا ناقص است و به عبارتی دیگر عنوان با محتوا همخوانی ندارد و عنوان مناسب تاریخ الشعر العربی المعاصر است! میزان انطباق محتوای اثر و مطالب آن با عنوان‌های درج‌شده در فهرست کتاب هم‌خوانی دارد و مناسب ارزیابی می‌شود.

#### ۴-۲-۴. میزان تناسب و جامعیت محتوای اثر با توجه به اهداف درس مدنظر

محتوای اثر حاضر با اهداف درس مدنظر تناسب کمی دارد و از لحاظ جامعیت دربردارنده اهداف درس تاریخ ادبیات عربی معاصر ۱ و ۲ نیست؛ چراکه به نثر، قصه، رمان، اسطوره در شعر، و بسیاری مطالب دیگر نپرداخته است.

- ۴-۲-۵. میزان انطباق مطالب اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم
- کتاب بررسی شده تاحدی با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم منطبق است اما پیشنهاد می‌گردد مباحث ذیل اضافه گردد تا بر پرباری و غنای آن افزوده شود:
- پرداختن به مهم‌ترین تحولات تاریخی این عصر و رویدادهای تاریخی مؤثر بر شکل‌گیری نهضت ادبی
  - سیر تحول نثر ( قصه، قصه کوتاه، رمان)؛
  - بزرگ‌ترین داستان‌نویسان؛
  - اسطوره‌گرایی و بزرگ‌ترین شاعران اسطوره‌گرا (البیاتی، السیاب)؛
  - بررسی شعر عربی معاصر در الجزائر؛
  - نگاهی به دیگر رویکردها و جریان‌های ادبی معاصر مانند: معادل موضوعی، بینامتنیت، مکتب‌های نقدی و ... .

#### ۴. ۳. تحلیل بیرونی یا شکلی

در بررسی صوری و ظاهری کتاب مسائلی چون قلم نوشتن، حروف چینی، صفحه‌آرایی، ویژگی‌های چاپی، پانوشتها و نمونه‌هایی از این دست بررسی می‌شود.

#### ۴-۳-۱. قواعد عمومی ویرایش و نگارش و کیفیت چاپی اثر

نخستین مسئله‌ای که با گشودن کتاب به چشم می‌خورد، قلم درشت و برجسته‌تر از حد معمول آن است که نه تنها زیبایی صوری اثر را تحت الشعاع قرار داده بلکه باعث ملال خواننده نیز می‌شود و توجه به این موضوع در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است.

کیفیت شکلی و چاپی اثر از لحاظ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی تاحدودی راضی‌کننده است ولی از نظر صحافی مناسب ارزیابی نمی‌شود. روی جلد، عنوان کتاب و نام نویسنده «للدكتور نادر نظام طهرانی» آمده است و از طرح روی جلد خاصی استفاده نکرده است. براساس قوانین ویرایش و درست‌نویسی، روی جلد، عنوان اصلی و فرعی نام نویسنده می‌آید و عنوان‌هایی چون مؤلف، نویسنده، آیت‌الله، دکتر و... نمی‌آید. (باقری، ۱۳۹۳: ۴۸).

در صفحه عنوان، عنوان اصلی و فرعی و نام نویسنده بدون ناشر می‌آید (همان). در صفحه عنوان این کتاب، این مسئله رعایت نشده و به ذکر نام کتاب بسنده شده است.

قلم نویسنده رسا و روان است. همچنین رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این اثر مطلوب و مناسب است. به طوری که خواننده با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود. البته ارزیابی دقیق و علمی این مقوله نیاز به یک شیوه‌نامه جامع درباره قواعد ویرایش و نگارش دارد که مختص زبان عربی باشد و از طرف فرهنگستان‌های زبان عربی مصوب شده باشد،

چنان‌که درباره قواعد ویرایش و نگارش زبان فارسی موجود است. هم‌اکنون چنین شیوه‌نامه‌ای در دسترس نیست.

در بررسی کلی کتاب برخی اشکال‌های نگارشی و ویرایشی و چایی به چشم می‌خورد؛ مانند تفاوت نگذاشتن بین همزه قطع و وصل، نگارش نادرست «ی» و «ة»، استفاده بیجا از سکون، مستعمل نبودن برخی واژگان و ...؛ البته این تعداد زیاد نیست و و جز در برخی مواضع در فهم کتاب خدشه‌ای وارد نمی‌کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

«سعد الدین تفتزانی» (ص ۱۸)؛ صحیح: تفتازانی.

«افتصر» (ص ۳۲)؛ صحیح: اقتصر.

«خلّاق نثر شعری» (ص ۸۱)؛ صحیح: مبدع.

«الطارقین للشعر الحر أو القصيدة النثر» (ص ۱۱۶)؛ صحیح: و. چرا که شعر حر با قصیده النثر تفاوت دارد.

«لعنا» (ص ۱۵۰)؛ صحیح: لعنا.

«انخقاض» (ص ۱۵۱)؛ صحیح: انخفاض.

«فطرق الشعراء» (ص ۱۶۱)؛ صحیح: فطرق. و ...

مؤلف در برجسته‌ساختن نام اعلام و کتاب‌ها یکنواختی را رعایت نکرده است؛ وی معمولاً نام اعلام را برجسته نکرده است اما نام احمد شوقی را (که پیش‌تر نیز ذکر کرده و وی را معرفی کرده است) هم با کشیدن خط، هم با پررنگ و درشت‌کردن (همان، ۱۵۸)، و نام عزیز اباطه را با کشیدن خط مشخص کرده است (همان، ۱۵۹).

معادل خارجی اصطلاحات و ضبط لاتین اعلام در پانوشت می‌آید (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۸: ۱۱۱)، اما در کتاب بررسی شده به هیچ روی، این مسأله رعایت نگردیده و معادل لاتین شاعران و ادیبان ذکر نشده است (برای نمونه رک: ص ۱۲؛ ۲۲؛ ۷۲؛ ۷۶؛ ۸۳؛ ۱۰۵).

بین آخرین سطر صفحه و عبارت پانوشت باید فاصله یا خط فارق باشد (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۱ تا ۱۱۲). این مسئله گاه رعایت نشده است (همان، ۷۲).

#### ۴-۳-۲. استناد

امروزه استناد رکن اساسی نگارش علمی است و کسی نمی‌تواند بی‌نیاز از دانش تولیدشده پیشینیان دانشی جدید بیافریند. اخلاق علمی حکم می‌کند که منبع مرجع استفاده‌شده به درستی ذکر گردد و اصل امانت داری در منبع‌دهی مراعات شود (میرزایی و ابویسانی، بی‌تا: ص ۱۱). در بررسی مسئله استناد در این کتاب نکات زیر یادکردنی است:

باید گفت که نویسنده اصل امانت‌داری و دقت را در منبع‌دهی رعایت نکرده است و ارجاعات و استنادات در این کتاب با اصول منبع‌دهی علمی چندان مطابقت ندارد چه در

نمونه‌های نه چندان اندک مشاهده می‌شود که مؤلف درباره موضوعی سخن می‌راند بدون اینکه به منبع مورد مراجعه اشاره‌ای داشته باشد و خواننده می‌پندارد این مطالب، سخنان خود اوست (برای نمونه ر.ک: ۱۷ تا ۲۱؛ ۲۴ تا ۳۳؛ ۸۶ تا ۹۱؛ ۹۲ تا ۹۵؛ ۹۶ تا ۹۹؛ ۹۹ تا ۱۰۲؛ ۱۰۵ تا ۱۰۷؛ ۱۰۹ تا ۱۱۲؛ ۱۵۵ تا ۱۵۷؛ ...).

لازم به یادآوری است گاه در میان چندین صفحه که مطالب آن بدون ارجاع آمده، سخنانی از دیگر ادبا و نویسندگان نقل کرده و منبع آن را ذکر کرده است و باز این گمان به وجود می‌آید که به جز آن نقل قول کوتاه، سایر سطور (سطور پیش و پس از نقل قول) از سخنان خود وی است (همان، ص ۲۰ و ۲۳).

بی‌دقتی در منبع دهی شامل ابیات و اشعار نقل شده در متن نیز هست و در مواضع متعدد مشاهده می‌شود که اشعار را به دیوان شاعر ارجاع نداده است (همان، ص ۳۱ تا ۳۳؛ ۳۶ تا ۳۸؛ ۳۹ تا ۴۲؛ ۴۳ تا ۴۶؛ ۱۵۳....).

افزون بر این، گاه نویسنده نقل قول‌های مستقیم را بدون ذکر نام گوینده آورده است؛ برای نمونه در صفحه ۳۸ تا ۳۹ سخنی از حافظ ابراهیم درباره شوقی نقل کرده بدون اینکه به منبع آن اشاره‌ای کرده باشد.

مؤلف در ذکر منابع درون متن همسان عمل نکرده است. وی اشعار برگرفته از دیوان شوقی، بارودی، حافظ ابراهیم را به دیوان ارجاع نداده؛ حال آنکه اشعار دیگر شاعران از جمله الرصافی و الزهاوی و غیره را به دیوان ارجاع داده است. این یکنواخت نبودن در ذکر اطلاعات نشر نیز به چشم می‌خورد. گاه در ارجاع درون متن، به ذکر نام نویسنده و نام کتاب و شماره صفحه بسنده شده (همان، ص ۴۰) و گاه کل اطلاعات نشر اعم از نام نویسنده، نام کتاب، سال نشر، محل نشر و نام ناشر آمده است (همان، ص ۴۹). همچنین فهرست منابع پایان کتاب بسیار آشفته است و مؤلف در ذکر اطلاعات نشر (پدید آور، کتاب، محل نشر، انتشارات، سال چاپ) یکنواخت عمل نکرده است؛ گاهی نخست نام پدیدآور و گاه نخست نام اثر را ذکر کرده است. گاه به نام پدیدآور (منبع شماره ۵ و ۳۵ و ۳۸)، و گاه به نام منبع (شماره ۱۶)، و گاه به محل نشر (شماره ۴ و ۶)، و گاه به انتشارات (۱) اشاره نشده است. معمولاً هنگامی که محل و سال طبع اثر استفاده شده مشخص نیست، با «د.م» و «د.ت» بدان اشاره می‌شود.

در صفحه ۴۰ سطوری از کتاب شوقی شاعر العصر الحديث آورده و به علت نبستن گیومه این گمان به وجود می‌آید که نقل قول همچنان ادامه دارد.

معمولاً وقتی نویسنده دو بار پشت سرهم به یک منبع مراجعه می‌کند، از ذکر دوباره نام مرجع خودداری کرده و ترکیب‌های چون «المصدر نفسه»، «المصدر السابق»، «تفس

المصدر» را می آورد؛ ولی مؤلف در هر دو ارجاع نام کتاب را به صورت کامل ذکر می کند (همان، ص ۶۳؛ ۷۰؛ ۱۰۳؛ ۱۲۱).

نویسنده در گردآوری این اثر، از ۳۸ منبع بهره برده است. شاید بتوان گفت که این تعداد از منابع با توجه به گستردگی ادب عصر معاصر، خواه از نظر وسعت جغرافیایی جهان عرب، خواه گستردگی زمانی، خواه جریان های ادبی و مکاتب گوناگون، اندک است به خصوص آن که تعداد زیادی از این منابع، دیوان های شعری شاعران یاد شده در کتاب است و از منابع تحقیقی و نقدی کمی استفاده شده است. برخی از منابع استفاده شده، از کتاب های معتبر در زمینه تاریخ ادبیات معاصر عربی است مانند منبع شماره ۲۳ و ۲۹؛ اما منابع معتبر و تخصصی تری نیز وجود دارد که نویسنده از آن بهره نبرده است، همچنین مراجعه مؤلف به مقاله های علمی بسیار ناچیز است. مراجعه به کتاب هایی مانند *الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث* نوشته سلمی الخضراء الجیوسی، *الشعر العربی المعاصر*، *قضایاه وظواهره الفنية والتقدیة* نوشته عزالدین إسماعیل، *اتجاهات الشعر العربی المعاصر* تألیف إحسان عباس، *شعرنا الحدیث الی آین؟* از غالی شکری، *دراسات فی الأدب المعاصر* مصطفی هدارة، *التقدیم و الجدید فی الشعر العربی الحدیث* تألیف واصف ابوالشباب و *فی النقد و الأدب* ج ۴ و ۵ تألیف ایلیا حاوی و... بر پرباری هر چه بیشتر این اثر می افزود. نیز گاه منابع استفاده شده در متن را در فهرست منابع نیاورده است، مانند: *شوقی شاعر عصر الحدیث* صفحه ۴۰، *دیوان الهوی و الشباب* صفحه ۵۰، *دیوان أغانی الحیاة* صفحه ۵۷، *دیوان عبدالرحمن شکری* صفحه ۶۶، *دیوان المازنی* صفحه ۶۸، *الشعر غایاته و وسائله* صفحه ۷۵، *دیوان الجداول ایلیا ابوماضی* صفحه ۹۰، و ...

#### ۴-۳-۳. جامعیت صوری اثر

در بررسی جامعیت صوری اثر پژوهشی، نکات زیر مدنظر قرار می گیرد:

فهرست		نتیجه و جمع بندی			خلاصه		تمرین و آزمون
منابع	موضوعی	اعلام	فصول	کلی	کلی	فصول	
*	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد

جدول ۱

همانگونه که جدول نشان می دهد، اثر از جامعیت صوری ضعیفی برخوردار است و نویسنده از مؤلفه های جامعیت صوری (ابزارهای علمی لازم مانند طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، نمودار و...) بهره نگرفته است؛ هرچند موضوع پژوهش نیازمند به استفاده از ابزارهایی چون تصویر و نقشه نیست؛ ولی استفاده از دیگر

ابزارهای علمی مانند طرح بحث، نتیجه و جمع بندی، پرسش و آزمون و فهرست موضوعی و اعلام و... بر پرباری هرچه بیشتر اثر می‌افزود.

### ۵. میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

در اثر حاضر هیچ گونه ناسازگاری با مبانی و اصول دینی و اسلامی مشاهده نشد و رویکرد کتاب در تضاد و تناقض با ارزش‌های اسلامی نبوده است و نویسنده با پرداختن به ادبیات متعهد (مقاومت)، از زاویه تعهد به شاعرانی چون نزار قبانی پرداخته است که جای تحسین دارد و می‌توان مطرح کردن مباحثی چوت شاعران مقاومت فلسطین را جزء رویکرد انسانی - اسلامی کتاب به حساب آورد.

### ۶. نتیجه‌گیری

- در بررسی کلی کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث، نوشته نادر نظام تهرانی، به نکات زیر دست یافتیم. توجه به این نکات در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است:
- قلم درشت‌تر از اندازه و برجسته کتاب تأثیر نامطلوبی بر کیفیت شکلی اثر گذاشته است.
  - عنوان اثر، تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث، در مخاطب این انتظار را به وجود می‌آورد که کتاب اطلاعات جامع و کاملی از تاریخ ادب این دوره، جریان‌های ادبی، رویکردهای نقدی، مکتب‌های ادبی نوین، انواع ادبی، ارائه دهد. ولی چنانکه گذشت، محتوای کتاب، چندان با عنوان و پیش‌فرض‌های آن هماهنگی ندارد. به کاستی‌های اثر در این‌باره، مفصل پرداختیم.
  - منابع و کتاب‌های استفاده‌شده از لحاظ کمیت چندان مطلوب ارزیابی نمی‌شود؛ چه نویسنده از کتاب‌های تحقیقی کمی در زمینه ادب معاصر بهره برده است و مراجعه وی به مقاله‌های علمی انگشت‌شمار است.
  - کتاب از نظر ساختاری مطلوب ارزیابی نمی‌شود و فاقد لایه‌بندی و فصل‌بندی و نظم منطقی است و مقدمه کارآمد و پیشگفتار و نتیجه‌گیری که از شرایط نخست تألیف علمی است، ندارد.
  - نویسنده در پاره‌ای از موضوعات حق مطلب را ادا نمی‌کند و اطلاعات کافی ارائه نمی‌دهد همچنین میان مطالب هماهنگی وجود ندارد و چنانکه گذشت، درباره بعضی شاعران، چندین صفحه توضیح آورده و درباره بعضی دیگر، تنها به نمونه شعری بسنده کرده است.

- در برخی صفحات اصل امانت‌داری درارجاع دهی رعایت نشده و در بسیاری از مواقع به منبع استفاده‌شده، اشاره‌ای نشده است.
- اختصاص حجم زیادی از کتاب به نمونه‌های شعری و نپرداختن به برخی از مطالب ضروری، منطقی نیست و این همه و مطالبی که پیش‌تر گذشت، ضرورت اصلاح، و بازنگری در این کتاب را بیشتر می‌کند.
- اثر بررسی شده با شرایط کنونی برای استفاده به عنوان منبع درسی مناسب نیست و نیاز به بازنگری، شرح و تفصیل و افزودن برخی مسائل دارد که در متن مقاله و قسمت دوم نتیجه‌گیری مفصل درباره آن سخن رانندیم.

## منابع

- باقری، محمدمهدی، (۱۳۹۳)، *درسنامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی*، تهران: مؤسسه ویراستاران حرفه‌ای پارس.
- بطرس، أنطونیوس، (۲۰۱۰)، *المساعد فی کتابة البحوث*، المؤسسة الحدیثة للکتاب.
- حیدری، غلامرضا، (۱۳۸۰)، *آیین نگارش ۲*، زنجان: نیکان کتاب.
- سمیعی گیلانی، (۱۳۷۸)، *آیین نگارش*، ج ۸، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیف، شوقی، (د.ت)، *الأدب العربی المعاصر فی مصر*، ط ۱۲، القاهرة: دارالمعارف.
- الفاخوری، حنا، (۱۳۸۰)، *تاریخ الأدب العربی*، ج ۴، تهران: توس.
- مصطفوی نیا، سیدمحمد رضی؛ حمید دادفر، (۱۳۸۸)، *وقفه مع الأدیب الایرانی نادر نظام طهرانی و تحلیل شعره*، التراث الأدبی، العدد ۱.
- میرزایی، فرامرز حسین ابویسانی، «تحلیل انتقادی کتاب الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث»، نظام تهرانی، نادر، (۱۳۸۷)، *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*، تهران: منهاج.